

دانش و پژوهش در علوم تربیتی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

شماره پانزدهم - پاییز ۱۳۸۶

صص ۱۴۷ - ۱۱۹

## بررسی علل پیشرفت تحصیلی دختران در مقایسه با پسران در استانهای خراسان رضوی، شمالی و جنوبی

فوزیه حسینی طباطبایی<sup>۱</sup> - ملک محمد قدیمی مقدم<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش با قبول این واقعیت که پیشرفت تحصیلی دختران در مقایسه با پسران بیشتر است با هدف جست و جوی عوامل مؤثر بر آن انجام گرفته است. پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بوده و جامعه آماری آن دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و متوسطه استانهای خراسان رضوی، شمالی و جنوبی است (۷۵۳۴۶۴=۳۸۵۶۱۲ پسر + ۳۶۷۸۵۲ دختر). نمونه آماری بر اساس فرمول حجم نمونه کرجسی و مورگان با آلفای ۰/۰۵ شامل ۸۵۳ نفر از دانش‌آموزان (۴۲۱ دختر و ۴۳۲ پسر) بود که به تفکیک جنسیت به روش نمونه‌برداری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل سه پرسشنامه: اعتماد به نفس کوپر اسمیت که یک ابزار استاندارد است و اعتبار آن از طریق روش دو نیمه کردن

\*- هزینه: این طرح از محل اعتبارات سازمان آموزش و پرورش استانهای خراسان رضوی، شمالی و جنوبی تأمین شده است.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تربت‌جام (نویسنده مسؤول) Email:sh.Tabatabaie@yahoo.com

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تربت‌جام

۰/۸۷ به دست آمد. انگیزش تحصیلی و نگرش به تحصیل که محققان تدوین کردند و اعتبار آن از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۹۲ به دست آمد و روایی آن از طریق روایی محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک آزمون t و ضریب همبستگی نشان داد که انگیزه تحصیل در دختران بیشتر و نگرش آنان نسبت به تحصیل مثبت تر است، در حالی که بین دو گروه از لحاظ اعتماد به نفس تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین یافته‌ها بیانگر اعتماد به نفس برتر، انگیزه تحصیلی بیشتر و نگرش به تحصیل مثبت تر در دانش آموزان مقطع متوسطه بوده است. بین پیشرفت تحصیلی و سه متغیر انگیزه تحصیلی، نگرش به تحصیل و اعتماد به نفس همبستگی معنادار مشاهده شد.

**کلید واژه‌ها:** پیشرفت تحصیلی، انگیزه تحصیلی، نگرش به تحصیل، اعتماد به نفس.

#### مقدمه

از وظایف اساسی آموزش و پرورش در هر کشور، انتقال میراث فرهنگی جامعه، پرورش استعدادها و دانش آموزان و آماده کردن آنان برای شرکت فعال در جامعه است. بنابراین تعلیم و تربیت افراد به منظور تصدی امور مختلف ضروری می‌نماید و مسأله موفقیت یا عدم موفقیت در امر تحصیل از مهمترین دغدغه‌های هر نظام آموزشی در تمامی جوامع است. موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هر جامعه نشان‌دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف‌یابی و توجه به رفع نیازهای فردی است. بنابراین نظام آموزشی را زمانی می‌توان کارآمد و موفق دانست که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان آن در مقاطع مختلف بیشترین و بالاترین رقم را داشته باشد. آموزش و پرورش از ارکان اساسی رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور به‌شمار می‌رود و امروزه نقش آن در بهبود شرایط زندگی افراد و جامعه بر همگان آشکار است. جامعه در حال گذار از جامعه سنتی به مدرن نیاز به نیروهای کارآمد علمی از هر دو جنس دارد. مردان و زنان با تواناییهای ذاتی متفاوت خود در بسیاری موارد مکمل یکدیگرند و عدم توازن در حضور فعال هر یک از دو گروه به ویژه در رابطه با پسران با توجه به بافت فرهنگی جامعه به تضاد و دوگانگی منجر می‌شود که نتیجه آن رکود رشد اجتماعی و فردی است. اطلاعات موجود در سالهای اخیر نشان‌دهنده حضور بیشتر دختران در صحنه آموزش و پیشرفت تحصیلی آنان است و

هر سال به درصد دانش‌آموزان دختر در پایه‌های بالاتر دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی افزوده می‌شود. به‌طور مثال در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ دانش‌آموزان دختر در مقطع راهنمایی ۰/۴۶ و پسران ۰/۵۴ می‌باشند و دانش‌آموزان دختر در مقطع متوسطه ۰/۴۹ و پسران ۰/۵۱ بوده‌اند. دانش‌آموزان دختر مقطع پیش‌دانشگاهی، ۶۱/۷۱ درصد و پسران ۳۸/۲۹ درصد می‌باشند. براساس همین آمار درصد قبولی پسران در مقطع راهنمایی ۸۶/۴ درصد و قبولی دختران ۹۵/۲۲ درصد می‌باشد (مرادی‌مقدم، ۱۳۸۳).

نیاز زیربنایی به صورت انگیزشی فرد را به نوعی رفتار سوق می‌دهد. نیازها همواره به هدف یا رویدادهای خاص مربوط می‌شوند. بنابراین معیاری برای انگیزش و رفتاری خاص پدید می‌آورند. در دیدگاه مورای<sup>۱</sup>، نیاز سازه‌ای<sup>۲</sup> فرضی است که وجود آن فرض می‌شود تا بتوان بعضی واقعیتهای عینی و ذهنی را توجیه کرد. وی فهرستی از نیازها را مطرح نمود که نیاز به پیشرفت، یکی از آنهاست. مورای نیاز به پیشرفت (انگیزه پیشرفت) را به معنای نیاز به انجام کاری دشوار، مسلط شدن، دستکاری کردن، سازماندهی اشیای فیزیکی، انسانها یا اندیشه‌ها، برای غلبه بر موانع و دستیابی به معیاری سطح بالا، برای رقابت کردن و پیشی گرفتن از دیگران توصیف کرده است. مورای معتقد بود که این نیازها ممکن است در عده‌ای به‌طور کامل تجربه شود در حالی که افرادی هم هستند که هیچ‌گاه بعضی از این نیازها را تجربه نمی‌کنند (کارور و شی‌یر<sup>۳</sup>، ۱۳۷۶).

هورنای<sup>۴</sup> در تقسیم‌بندی خود از نیازها، نیاز به موفقیت را مطرح می‌سازد که زمینه‌ساز انگیزه پیشرفت است و سبب می‌شود، فرد با عمل بر مبنای آن از شخصیتی سالم برخوردار باشد و فروم<sup>۵</sup> از نیاز به تعالی بحث می‌کند که بروز آن بستگی به شرایط و فرصتهایی دارد که به وسیله فرهنگ هر جامعه فراهم می‌شود. در مجموع می‌توان گفت نیاز به پیشرفت در نظریه مورای، نیاز به موفقیت در نظریه هورنای و نیاز به تعالی در نظریه فروم در نوجوانان محصل به صورت انگیزه پیشرفت تحصیلی بروز می‌کند (شولتز<sup>۶</sup>، ۱۳۷۸).

بازده یادگیری و پیشرفت تحصیلی به خود دانش‌آموز، میزان انگیزش او برای یادگیری، تناسب روشهای خانواده با شرایط و ویژگیهای دانش‌آموز و ارزش‌های

1- Murray

2- Construct

3- Carver & Scheier

4- Horney

5- Fromm

6- Schultz

موجود در جامعه بستگی دارد. افراد پیشرفت‌گرا برای آنکه پیشرفت به‌سوی اهداف را همچنان ادامه دهند، دوست دارند درباره چگونگی پیشرفت خود بازخورد منظم و واقعی دریافت کنند (مسدد، ۱۳۷۳). این بازخوردها و عوامل زمینه‌ساز انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی است که یکی از نخستین انگیزه‌های آدمی یعنی میل و اشتیاق به تلاش و کوششی است که فرد برای دستیابی به هدف یا تسلط بر اشیاء، امور یا افراد و اندیشه‌ها یا یک معیار متعالی از خود ابراز می‌دارد (ویلدر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹).

اتکینسون<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) در نظریه خود با مطرح ساختن مفهوم انگیزه پیشرفت تحصیلی به این نکته اشاره دارد که افراد معمولاً جذب تکالیفی می‌شوند که احتمال موفقیت در آنها بیشتر است. به عبارتی انگیزه پیشرفت، بیشتر افراد را به سوی تکالیفی با سطح دشواری متوسط جلب می‌کند. همچنین وی در نظریه انتظار در ارزش خود رفتار پیشرفت را به عنوان تعارض بین تمایل به نزدیک شدن به تکالیف و تمایل به دور شدن از تکالیف تعریف می‌کند. وی عقیده دارد این دو تمایل متضاد تحت تأثیر تفاوت‌های فردی با ثبات در ارزش‌ها و انتظارات، مربوط به احتمال تحقق یک هدف خاص است. اتکینسون معتقد است انگیزه یا نیاز به پیشرفت، افراد را به‌سوی تکالیف پیشرفت سوق می‌دهد. او نیاز به پیشرفت را به یک ویژگی نسبتاً با ثبات و دایمی برای رسیدن به موفقیت یا «ظرفیت تجربه غرور بعد از موفقیت» تعریف می‌کند. وی همچنین از انگیزه اجتناب از شکست یا «ظرفیت تجربه شرمساری بعد از شکست» یاد می‌کند (سانتراک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱).

از نظر اتکینسون متغیرهای موقعیتی نیز افراد را به سوی تکالیف می‌کشاند یا از آنها دور می‌کنند. این متغیرها «انتظار موفقیت» و «انتظار احساس غرور» می‌باشد و فرض بر این است، افرادی که در یک تکالیف خاص انتظار موفقیت دارند در مقایسه با آنها که برای موفقیت احتمال کمتری قایل هستند، به تکالیف بیشتر روی می‌آورند. به عبارتی ارزش تشویقی موفقیت به انتظارات افراد از موفقیت ارتباط دارد (استپک<sup>۴</sup>، ۱۳۸۵). خلاصه اینکه تمایل به نزدیک شدن به تکالیف با یک عامل باثبات (نیاز به پیشرفت) و دو عامل موقعیتی (انتظار موفقیت و غرور) تعیین می‌شود.

1 - Vilder

2 - Atkinson

3 - Santrock

4 - Stipek

نظریه پردازان در رابطه با تفاوت‌های جنسیتی و انگیزه پیشرفت نیز بررسی‌هایی انجام داده‌اند. آنها معتقدند بین زنان و مردان از لحاظ انگیزه پیشرفت تفاوتی وجود ندارد با این حال برای زنان در مقایسه با مردان در مورد بیان انگیزه پیشرفت شرایط کاملاً متفاوتی وجود دارد. هر چند اطلاعات کافی درباره پویایی این انگیزه در زنان در دست نیست با وجود این نیاز به پیشرفت در میان زنان به نوع تمایل به پذیرش و تأیید اجتماعی ارتباط دارد، در حالی که این امر در مردان صادق نیست (کارور و شی‌یر، ۱۳۷۶).

انگیزه پیشرفت در بسیاری از حوزه‌های فعالیتی مثل شغل، مدرسه، هنرهای خانگی یا مسابقات قهرمانی دیده می‌شود. پژوهش‌های اسلاوین<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) و چیو<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) به رابطه مثبت و معنادار بین انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی اشاره دارد. آگوروگلو و والبرگ<sup>۳</sup> (۱۹۷۹) ضریب همبستگی ۰/۳۴ برای ارتباط بین انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کلاس اول تا دوازده را اعلام کردند. بلوم (۱۳۶۳) رابطه بین انگیزش و پیشرفت تحصیلی را ۰/۵۰ گزارش کرده است.

به اعتقاد فرنچ<sup>۴</sup> (۱۹۸۷) قدرت انگیزه پیشرفت با عملکرد پایداری در انجام تکالیف ارتباط مستقیم دارد. چنانچه یادگیرندگان به این واقعیت واقف شوند که با تحصیلات به برخی از پاداش‌های اجتماعی از قبیل تأیید، ترفیع، پذیرش در دانشگاه، مشاغل بهتر، اعتبار بیشتر، پول افزون‌تر، کار جالب‌تر و مسئولیت مهم‌تر دست می‌یابند در آنها انگیزه پیشرفت تحصیلی افزایش می‌یابد. کراندل<sup>۵</sup> (۱۹۶۳)، رمانین<sup>۶</sup> (۱۹۶۸) و استاین<sup>۷</sup> (۱۹۶۹) متغیر محیطی و تأیید اجتماعی را در افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی مطرح ساخته‌اند.

بلوم (۱۳۶۳) می‌گوید: اگر شیوه‌های آموزشی، برنامه درسی و روش نمره‌گذاری مدارس بر تجربیات موفقیت‌آمیز دانش‌آموزان تأکید بیشتری داشته باشند، باعث خواهد شد، ویژگی‌های ورودی عاطفی مثبت (از جمله انگیزه پیشرفت) برای تکالیف جدید افزایش یابد. وی همچنین می‌گوید اگر روند کسب تجربه به صورت مثبت یا منفی ادامه یابد به ایجاد مفهوم ثابتی درباره توانایی یادگیری فرد منجر می‌شود و بر سبک

---

1 - Slavin                      2 - Chiu                      3 - Ugaroglu & Walberg  
4 - French                      5 - Crandall                      6 - Remanim  
7 - Stain

زندگی، آینده و حتی سلامت روان او تأثیر می‌گذارد. وی مسائل شناختی و انگیزه یادگیری را معلول تجارب موفقیت‌آمیز فراگیر در برخورد با موضوعات درسی می‌داند. به توصیه آزوبل بهترین راه ایجاد علاقه و انگیزه در یادگیرندگان این است که سعی شود هر چه مؤثرتر در آنان یادگیری ایجاد شود (سیف، ۱۳۸۳).

میدگلی، کاپلان و اندرسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) نتیجه گرفتند، اگر دوستان نوجوان افرادی باشند که برای تحصیل و آموزش ارزش قایل باشند، نوجوان هم با تبعیت از آنان، علاقه و اشتیاق لازم را مبذول می‌دارد. در رابطه با پاداش اجتماعی به نظریه انتظار- ارزش اشاره می‌کنند، که براساس آن وقتی فرد باید تصمیم بگیرد، عملی را انتخاب می‌کند که بیشترین میزان منفعت احتمالی را برایش در پی داشته باشد. بنابراین انتخاب بستگی به دو عامل دارد: الف - احتمال رسیدن به هدف (نقطه نهایی). ب - میزان ارزشی که برای رسیدن به هدف قایل هستیم. بنابراین هنگامی که دانش‌آموزان متوجه شوند، تحصیلات بالاتر با فواید و امتیازاتی همراه و همبسته است، انگیزه آنها برای تحصیل افزایش می‌یابد.

کوپر اسمیت<sup>۲</sup> (۱۹۶۹) منابع اعتماد به نفس را ۴ عامل می‌داند: ۱- احساس تأثیرگذاری و نفوذ بر دیگران و انجام فعالیتها به نحو مطلوب. ۲- مهم بودن یا احساس اهمیت در زندگی دیگران. ۳- پایبندی به آداب و قوانین اجتماعی و اخلاقی. ۴- موفقیت در روابط اجتماعی، تحصیلی، اشتغال و ...

پورکی<sup>۳</sup> (۱۹۷۰) نشان داد بین اعتماد به نفس و توانایی یادگیری رابطه وجود دارد. اعتماد به نفس زیاد موجب پیشبرد یادگیری می‌شود، نوجوانی که از اعتماد به نفس زیاد برخوردار است، بهتر از فردی که احساس بی‌کفایتی می‌کند، یاد می‌گیرد و با اشتیاق و اطمینان از عهده تکالیف جدید برمی‌آید. برعکس شخص با باور بی‌کفایتی، در آموختن هر تکلیف جدید احساس درماندگی و ترس می‌کند.

شیور<sup>۴</sup> (۱۹۷۵) بیان می‌دارد: بین پیشرفت تحصیلی و تصویر مثبت از خود و نگرش به تحصیل رابطه مستقیم وجود دارد، افرادی که به پیشرفت تحصیلی نایل می‌شوند تصویر مثبت‌تری از خود داشته و نسبت به تحصیل نیز نگرش مثبت‌تری

1 - Midgley & Kaplan & Anderson

2 - Cooper Smith

3 - Purkey

4 - Shaver

کسب می‌کنند. بنابر یافته‌های پژوهش رزنتال و جاکوبسن<sup>۱</sup> (۱۹۶۸) در نظریهٔ پیشگویی خود کامرواساز، باورها و نگرش‌ها در عملکرد مؤثر می‌باشد و عملکرد درست منجر به احساس ارزش و کفایت بیشتر شده و نگرش مثبت‌تر نسبت به امری که چنین احساسی (موفقیت در تحصیل) را به دنبال داشته، سبب می‌شود.

پژوهش اسپنس<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) نشان داد دانش آموزانی که تحصیل را وسیله‌ای برای کسب موقعیت اجتماعی بهتر، اشتغال مناسب‌تر و درآمد بالاتر می‌دانند، نسبت به تحصیل نگرش مثبت‌تر داشته و نمره‌های بالاتر کسب می‌کنند. کراندال<sup>۳</sup> (۱۹۶۹) برداشت دانش‌آموز از توانایی خود در درس و انتظار موفقیت در آن را عامل پیش‌بینی‌کنندهٔ موفقیت دانسته و انتظار موفقیت یا عدم موفقیت را بر نگرش فرد نسبت به تحصیل مؤثر می‌داند.

چمبرز و أبرامی<sup>۴</sup> (۱۹۹۱) دریافتند، دانش‌آموزانی که دارای اعتماد به‌نفس بالا و منبع کنترل درونی هستند از پیشرفت بالایی برخوردارند و همچنین به نقش عواملی چون تصویر خود و نگرش‌های فرد در موقعیت تحصیلی اشاره دارد. آنان تواناییهای دختران و پسران را یکسان پنداشته و تفاوت را ناشی از ادراک خویشتن و نگرش‌های آنان می‌دانند. نگرش نسبت به خود مفهومی است که با یادگیری آموزشی رابطه دارد، یعنی اگر یادگیرنده طی سالهای آموزش همواره تجارب موفقیت‌آمیز کسب کند، به تدریج بر علاقهٔ او نسبت به یادگیری و آموزشگاه افزوده می‌شود و در نتیجه مفهوم مثبتی از خود، در او تشکیل می‌شود، اما اگر این تجارب متراکم بیشتر با شکست همراه باشد، اندک‌اندک در وی بی‌علاقگی و بی‌میلی نسبت به درس و کل آموزشگاه ایجاد می‌شود و به مفهوم منفی از خود و تواناییهای خود می‌رسد. موفقیت و تأیید یا شکست و عدم تأیید در تعدادی از تکالیف یادگیری در مدت نسبتاً طولانی به اعتماد یا عدم اعتماد به‌نفس منجر می‌شود.

بگلی<sup>۵</sup> (۱۹۹۲) دریافت که خودپندارهٔ منفی نسبت به درس در محیط‌های تنش‌زا پیشرفت تحصیلی را کاهش می‌دهد در حالی که خودپندارهٔ مثبت منجر به افزایش

1 - Rosenthal & Jacobson

2 - Spence

3 - Crandall

4 - Chambers & Abrami

5 - Bagley

پیشرفت تحصیلی خواهد شد. فرانسیس، مارتین و درای<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که در شرایط تنش‌زا زنان خودپنداره منفی‌تری نسبت به مردان دارند بنابراین از پیشرفت تحصیلی کمتری برخوردار هستند.

جانسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) در ارزیابی بین‌المللی خود نتایجی مبنی بر عملکرد بهتر دختران سنین ابتدایی در کشورهای مختلف ایالات متحده، کانادا، استرالیا، هلند و انگلستان ارائه نموده است. هنری<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) با وجود عدم تفاوت معنادار میان خودپنداره و منبع کنترل دختران و پسران به پیشرفت تحصیلی بیشتر در دختران اشاره می‌کند. هال و گولز<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) و للوید<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) پیشرفت تحصیلی دختران در مقایسه با پسران در مقطع راهنمایی را گزارش کرده‌اند. آنها علاقه پسران را در مطالعه موضوعات ماجراجویانه، قهرمانی و ورزشی و علاقه دختران را به کتابهای اطلاع‌رسانی و داستانی اعلام کرده‌اند. وارن<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) در انگلستان و ولز دریافت که دختران در مقایسه با پسران عملکرد بهتری در آزمونها داشته‌اند. وی عملکرد ضعیف پسران را به نگرانی آنها در فعالیتهای کلاسی و پیشرفت تحصیلی، عدم علاقه و پیامدهای اجتماعی مربوط می‌داند. برنان<sup>۷</sup> (۲۰۰۲) ضمن اعلام پیشرفت تحصیلی دختران در مقایسه با پسران، ارتباط صمیمی و نزدیک دختران با معلمان خود را به عنوان عامل مهمی در عملکرد بهتر آنان ذکر کرده است. هولدن (۲۰۰۲) علت پیشرفت تحصیلی دختران و ضعف پسران را انتظارات متفاوت معلمان از آنها دانسته، وی همچنین توانایی تمرکز، اعتماد به نفس و مهارتهای اجتماعی دختران را بیشتر و بالاتر ارزیابی نموده است.

تامپسون و آنگرلیدر<sup>۸</sup> (۲۰۰۴) در بررسی خود بر روی نوجوانان کانادایی در مقایسه‌ای بین دختران و پسران در مدارس مختلط و غیرمختلط مشاهده کردند دختران در مدارس غیرمختلط به دروس ریاضی و علوم علاقه‌مند بوده و یادگیری و موفقیت بیشتری نشان می‌دهند و خطرپذیری، احساس شایستگی و موفقیت آنان افزایش می‌یابد. محققان اضطراب کمتر و اعتماد به نفس بیشتر را عامل موفقیت دختران در

1 - Frances, Martin & Dray

3 - Henry

6 - Warren

4 - Hall & Goles

7 - Brennan

2 - Jahnson

5 - Lloyd

8 - Thompson & Ungerleider



چنین شرایطی ذکر کرده‌اند. یانگر، وارینگتون و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در یک مطالعه طولی ضمن اعلام پیشرفت تحصیلی بیشتر دختران در مقایسه با پسران شیوه‌های متنوعی را برای کاهش فاصله بین دختران و پسران ارائه کرده‌اند.

ژاله رضایی (۱۳۷۲) به تعامل بین معلم و دانش‌آموز در ارتباط با پیشرفت تحصیلی پرداخته و روابط خوب و صمیمی بین معلم و دانش‌آموز را بر ایجاد نگرش مثبت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بسیار مهم می‌داند. احمدی (۱۳۷۸) به درصد بالاتر دانشجویان ممتاز در گروه دختران و برتری نمرات کل و نمرات کتبی آنان در بخشهای بالینی علوم پزشکی اشاره می‌کند. غلامی و دیگران (۱۳۸۵) در بررسی رابطه انگیزه پیشرفت و خودپنداشت با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس علوم در تکرار سومین مطالعه بین‌المللی ریاضیات و علوم (تیمز-آر) دریافتند، تفاوت معناداری بین انتظار برای تحصیل و خودپنداشت با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کشورهای مختلف وجود دارد. ولی بین بازخورد علاقه و ادراک دانش‌آموزان از اهمیت علوم، زمان مطالعه خارج از خانه و جنسیت دانش‌آموزان با پیشرفت در این زمینه رابطه‌ای مشاهده نشد.

چمبرز و آبرامی (۱۹۹۱) رابطه معناداری بین شیوه‌های اسناد افراد، اعتماد به نفس و عملکرد تحصیلی پیدا کردند. آنان اعتماد به نفس را به عنوان یکی از عوامل شخصیتی مرتبط با انگیزه پیشرفت و در نتیجه پیشرفت در یادگیری مطرح کرده‌اند. برنان (۲۰۰۲) نتیجه بررسی‌های مرکز ملی تحقیقات آموزشی در انگلیس را بیانگر آن می‌داند که دانش‌آموزان در مدارس غیرمختلط از پیشرفت تحصیلی بیشتر، اعتماد به نفس بالاتر، گرایش به آموختن برتر و آرزوی تحصیلات عالی بیشتر برخوردارند. بیابانگرد (۱۳۷۲) به رابطه معنادار بین اعتماد به نفس بالا و بهداشت روانی، انگیزه پیشرفت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی اشاره دارد. مفتاح (۱۳۸۱) و مؤمن‌زاده (۱۳۸۲) نیز به وجود رابطه بین اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی اشاره دارند. کراچی (۱۳۷۷) در بررسی خود دریافت انگیزه پیشرفت در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نقش مهمی دارد و دانش‌آموزان با منبع کنترل درونی و اعتماد به نفس بالا از سطح انگیزه پیشرفت بالاتری برخوردارند. گاردنر<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) و باتلر<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) نیز در پژوهش‌های خود ارتباط بین انگیزه

1- Younger & Warrington & et al

2- Gardner

3- Butler

پیشرفت تحصیلی با پیشرفت در یادگیری را تأیید کرده‌اند. همچنین پورطیپی و مشتاق (۱۳۷۹)، سلمان‌مقدم (۱۳۸۰) و کافی (۱۳۸۲) به همبستگی مثبت بین انگیزه پیشرفت تحصیلی و موفقیت تحصیلی اشاره دارند و انگیزه پیشرفت تحصیلی دختران را بیش از پسران اعلام کرده‌اند. کیمبل<sup>۱</sup> (۱۹۸۹)، احمدی (۱۳۷۸) و مختاری (۱۳۸۱) نیز به پیشرفت تحصیلی بیشتر دختران نسبت به پسران و در نتیجه تفاوت در انگیزه پیشرفت آنها اشاره دارند. میلیورن<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) به نقش تفاوت‌های جنسیتی در انتخاب دروس دوره دبیرستان و پیشرفت و کارآمدی متفاوت و در نتیجه دریافت پیامها و بازخوردهای متفاوت از محیط اطراف خود اشاره دارد و این امری است که جامعه امروز شاهد آن است.

شناسایی علل پیشرفت یا عدم پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به برنامه‌ریزان فرصت می‌دهد تا با بازنگری در اهداف آموزش و پرورش و تحلیل صحیح اهداف بر مبنای علاقه‌ها، استعدادها و ظرفیت هر دو جنس با توجه به نیازهای جامعه به برنامه‌ریزی درسی بپردازند. در شرایط کنونی که پیشرفت تحصیلی دختران نسبت به پسران به وضوح قابل مشاهده است، ریشه‌یابی علل این پدیده و سعی در ایجاد تناسب لازم و ضروری می‌نماید. بنابراین با در نظر گرفتن رشد چشمگیر جمعیت دختران در حال تحصیل و تحصیل‌کرده و پیشرفت تحصیلی آنان نسبت به پسران و مقایسه میزان انگیزه تحصیل، نگرش به تحصیل و اعتماد به نفس آنان، این پژوهش در راستای آزمون فرضیه‌های زیر انجام گرفت:

- ۱- دختران در مقایسه با پسران انگیزه بیشتری برای تحصیل دارند.
- ۲- نگرش دختران نسبت به تحصیل مثبت‌تر از نگرش پسران نسبت به تحصیل است.
- ۳- دختران در مقایسه با پسران از اعتماد به نفس بیشتری برخوردارند.
- ۴- انگیزه تحصیل دانش‌آموزان دوره متوسطه از دانش‌آموزان دوره راهنمایی بیشتر است.
- ۵- نگرش به تحصیل دانش‌آموزان دوره متوسطه از دانش‌آموزان دوره راهنمایی مثبت‌تر است.
- ۶- اعتماد به نفس دانش‌آموزان دوره متوسطه از دانش‌آموزان دوره راهنمایی بیشتر است.
- ۷- بین انگیزه تحصیلی، نگرش به تحصیل، اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های علی - مقایسه‌ای است. هدف این روش یافتن علتهای احتمالی یک الگوی رفتاری است. بدین منظور آزمودنیهایی که دارای الگوی رفتاری مورد مطالعه هستند با آزمودنیهایی که این رفتار در آنها مشاهده نمی‌شود، مقایسه می‌شوند (دلاور، ۱۳۷۴).

جامعه آماری این پژوهش همه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی و دبیرستان در استانهای خراسان رضوی، شمالی و جنوبی بود که تعداد کل آنها ۷۵۳۴۶۴ نفر بود. از این تعداد ۳۶۷۸۵۲ دختر و ۳۸۵۶۱۲ پسر بودند.

نمونه آماری این پژوهش را ۸۵۳ دانش‌آموز (۴۲۱ دختر و ۴۳۲ پسر) تشکیل دادند که این تعداد بر اساس فرمول حجم نمونه کرجسی و مورگان<sup>۱</sup> با آلفای ۰/۰۵ به تفکیک جنسیت مشخص شده‌اند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌برداری خوشه‌ای استفاده شد. بر مبنای این روش پژوهشگر سعی کرد تا واریانس درون‌خوشه‌ها به حداکثر افزایش یابد و واریانس بین خوشه‌ها به حداقل کاهش یابد، تا ضمن افزایش کارآمدی نمونه شانس تورش نظامدار داده‌ها نیز کاهش یابد (هومن، ۱۳۷۳).

### ابزار پژوهش

ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل ۳ پرسشنامه بود: پرسشنامه اعتماد به نفس کوپر اسمیت که ۵۲ سؤال از نوع صحیح، غلط دارد و اعتبار آن از طریق روش دو نیمه کردن در ارتباط با یک گروه ۹۶ نفری ۰/۸۷ گزارش شده است رضوی (۱۳۷۸). پرسشنامه نگرش به تحصیل و انگیزه تحصیل که محقق تدوین کرده و اعتبار آنها از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸۶ حاصل شد. روایی هر دو پرسشنامه از طریق روایی محتوایی که مبتنی بر قضاوت و داوری‌های تخصصی است، بررسی و تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از آزمون t در گروههای مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد بین انگیزه دختران و پسران تفاوت وجود دارد.

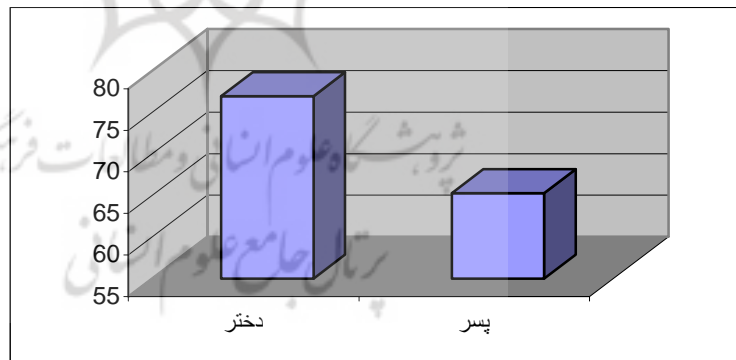
جدول ۱- مقایسه انگیزه تحصیل دانش‌آموزان دختر با پسر

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
دختر	۴۲۱	۷۶/۹۵۹۶	۲۹/۵۴۰۵	۱/۴۳۹۷
پسر	۴۳۲	۶۵/۲۷۷۸	۳۱/۲۴۵۱	۱/۵۰۳۳

فاصله اطمینان ۰/۹۵		تفاوت خطای معیار	تفاوت میانگین‌ها	درجه آزادی	t	سطح معناداری	آزمون برابری واریانس‌ها	آزمون برابری فراوانی	نتیجه
حداقل	حداکثر								
۱۵/۷۷۰۳	۷/۵۹۳۴	۲/۰۸۳۰	۱۱/۶۸۱۸	۸۵۱	۵/۶۰۸	۰/۰۵۳	۳/۷۴۷		با فرض برابری واریانس‌ها
۱۵/۷۶۷۳	۷/۵۹۶۴	۲/۰۸۱۵	۱۱/۶۸۱۸	۸۵۰/۲۲۲	۵/۶۱۲	-	-		با فرض نابرابری واریانس‌ها

سطح معناداری = ۰/۰۰۰

نمودار ۱- مقایسه انگیزه تحصیل دانش‌آموزان دختر و پسر



اطلاعات حاصل از آزمون t در جدول ۱ و نمودار ۱ نشان‌دهنده برتری دختران نسبت به پسران از نظر انگیزه پیشرفت تحصیلی است.

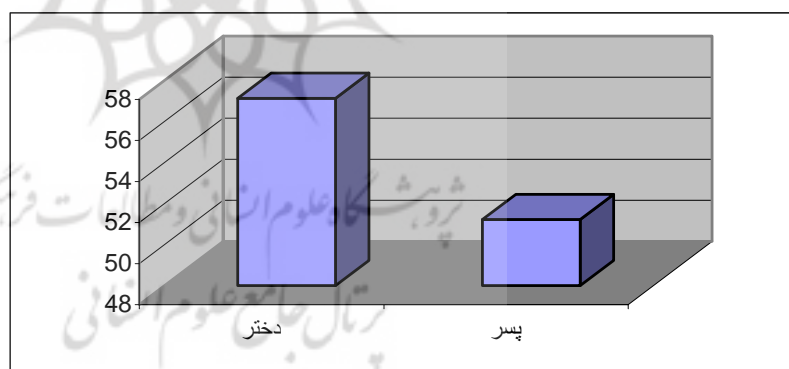
جدول ۲- مقایسه نگرش به تحصیل دانش‌آموزان دختر با پسر

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
دختر	۴۲۱	۵۷/۱۳۰۶	۲۵/۱۶۶۰	۱/۲۲۶۵
پسر	۴۳۲	۵۱/۲۱۵۳	۲۳/۸۴۱۵	۱/۱۴۷۱

فراوانی	آزمون برابری واریانس‌ها	سطح معناداری	t	درجه آزادی	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت خطای معیار	فاصله اطمینان	آزمون برابری میانگین‌ها
۱۰/۶۶۶	با فرض برابری واریانس‌ها	۰/۰۰۱	۳/۵۲۵	۸۵۱	۵/۹۱۵۴	۱/۶۷۸۲	۲/۶۲۱۶	۹/۲۰۹۲
-	با فرض نابرابری واریانس‌ها	-	۳/۵۲۲	۸۴۵/۶۱۵	۵/۹۱۵۴	۱/۶۷۹۳	۲/۶۱۹۲	۹/۲۱۱۵

۰/۰۰۰ = سطح معناداری

نمودار ۲- مقایسه نگرش به تحصیل دانش‌آموزان دختر و پسر



اطلاعات حاصل از آزمون t در جدول ۲ و نمودار ۲ نشان‌دهنده نگرش مثبت دختران نسبت به پسران در زمینه تحصیل است.

جدول ۳- مقایسه اعتماد به نفس دختران با پسران

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
دختر	۴۲۱	۲۲/۱۰۴۵	۱۱/۴۰۹۶	۰/۵۵۶۱
پسر	۴۳۲	۲۱/۵۲۰۸	۱۱/۲۵۳۹	۰/۵۴۱۵

آزمون برابری		آزمون برابری		آزمون برابری		آزمون برابری		آزمون برابری	
واریانس‌ها		میانگین‌ها		t		سطح معناداری		فراوانی	
فاصله اطمینان ۰/۹۵		تفاوت		درجه آزادی		تفاوت میانگین‌ها		تفاوت خطای معیار	
حداقل		حداکثر		تفاوت		خطای معیار		حداکثر	
با فرض برابری واریانس‌ها	۰/۳۹۸	۰/۵۲۸	۰/۷۵۲	۸۵۱	۰/۵۸۳۷	۰/۷۷۶۰	۰/۹۳۹۴	۲/۱۰۶۸	۰/۹۳۹۴
با فرض نابرابری واریانس‌ها	-	-	۰/۷۵۲	۸۴۹/۶۷۰	۰/۵۸۳۷	۰/۷۷۶۱	۰/۹۳۹۷	۲/۱۰۷۰	۰/۹۳۹۷

$0/452 = \text{سطح معناداری}$

اطلاعات حاصل از آزمون t در جدول ۳ نشان‌دهنده عدم تفاوت بین دو جنس دختر و پسر از نظر متغیر اعتماد به نفس است.

به طوری که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود بین پیشرفت تحصیلی و سه متغیر انگیزه تحصیل، نگرش به تحصیل و اعتماد به نفس به ترتیب ضریب همبستگی ۰/۵۳۱ و ۰/۶۲۳ و ۰/۱۳۹ وجود دارد که در سطح ۰/۰۰۰ معنادار هستند.

جدول ۴- ضریب همبستگی بین پیشرفت تحصیلی، انگیزه تحصیل، نگرش به تحصیل و اعتماد به نفس

پیشرفت تحصیلی	اعتماد به نفس	نگرش به تحصیل	انگیزه تحصیل
ضریب همبستگی ۱			
انگیزه تحصیل			
سطح معناداری ۰/۰۰۰			
تعداد ۸۵۳			
نگرش به تحصیل			
ضریب همبستگی ۰/۷۰۹			
سطح معناداری ۰/۰۰۰			
تعداد ۸۵۳			
اعتماد به نفس			
ضریب همبستگی ۰/۱۵۹			
سطح معناداری ۰/۰۰۰			
تعداد ۸۵۳			
پیشرفت تحصیلی			
ضریب همبستگی ۰/۵۳۱			
سطح معناداری ۰/۰۰۰			
تعداد ۸۵۳			

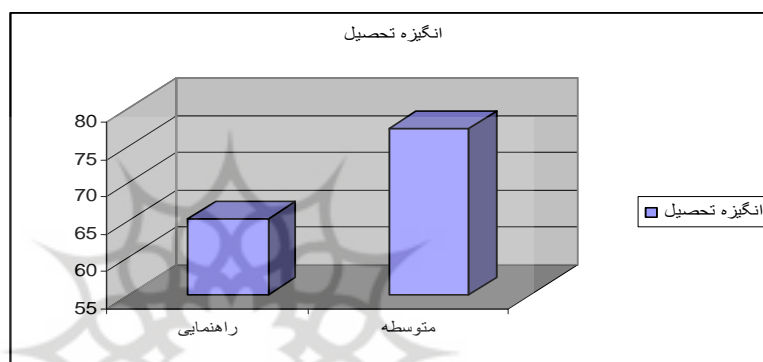
جدول ۵- مقایسه انگیزه تحصیل دانش آموزان راهنمایی با متوسطه

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
راهنمایی	۴۴۱	۶۵/۱۷۰۱	۳۱/۳۴۱۷	۱/۴۹۲۵
متوسطه	۴۱۲	۷۷/۳۳۰۱	۲۹/۲۹۲۷	۱/۴۴۳۱

آزمون برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها		t	سطح معناداری	فراوانی	با فرض برابری واریانس‌ها
فاصله اطمینان ۰/۹۵	تفاوت	تفاوت	درجه آزادی				
حداکثر	حداقل	میانگین‌ها خطای معیار	میانگین‌ها خطای معیار	۸۵۱	۰/۰۱۳	۶/۱۴۶	
-۸/۰۷۶	-۱۶/۲۴۴	۲/۰۸۰۹	-۱۲/۱۶۰۰	-۵/۸۴۴			
حداکثر	حداقل	میانگین‌ها خطای معیار	میانگین‌ها خطای معیار	۸۵۱/۰۰۰	-	-	با فرض نابرابری واریانس‌ها
-۸/۰۸۵	-۱۶/۲۳۵	۲/۰۷۶۱	-۱۲/۱۶۰۰	-۵/۸۵۷			

۰/۰۰۰ = سطح معناداری

### نمودار ۳- مقایسه انگیزه تحصیل دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه



اطلاعات حاصل از آزمون t در جدول ۵ و نمودار ۳ نشان‌دهنده برتری انگیزه تحصیل دانش‌آموزان متوسطه نسبت به دانش‌آموزان راهنمایی است.

### جدول ۶- مقایسه نگرش به تحصیل دانش‌آموزان راهنمایی با متوسطه

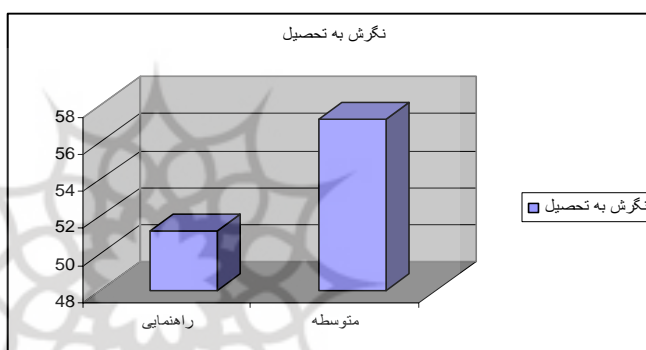
جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
راهنمایی	۴۴۱	۵۱/۲۵۱۷	۲۴/۰۳۶۶	۱/۱۴۴۶
متوسطه	۴۱۲	۵۷/۲۲۰۹	۲۴/۹۸۸۷	۱/۲۳۱۱



آزمون برابری واریانس‌ها	آزمون برابری میانگین‌ها	سطح معناداری	t	درجه آزادی	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت خطای معیار	فاصله اطمینان ۰/۹۵ حداقل حداکثر	فراوانی	با فرض برابری واریانس‌ها
		۰/۰۰۱	-۳/۵۵۶	۸۵۱	۱/۶۷۸۸ - ۵/۹۶۹۲		-۲/۶۷۴۲ - ۹/۲۶۴۲	۱۰/۵۲۲	با فرض برابری واریانس‌ها
		-	-۳/۵۵۱	۸۴۱/۳۹۱	۱/۶۸۱۰ - ۵/۹۶۹۲		-۲/۶۶۹۷ - ۹/۲۶۸۶	-	با فرض نابرابری واریانس‌ها

سطح معناداری = ۰/۰۰۰

#### نمودار ۴- مقایسه نگرش به تحصیل دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه



اطلاعات حاصل از آزمون t در جدول ۶ و نمودار ۴ نشان‌دهنده نگرش مثبت‌تر دانش‌آموزان متوسطه نسبت به دانش‌آموزان راهنمایی در ارتباط با تحصیل است.

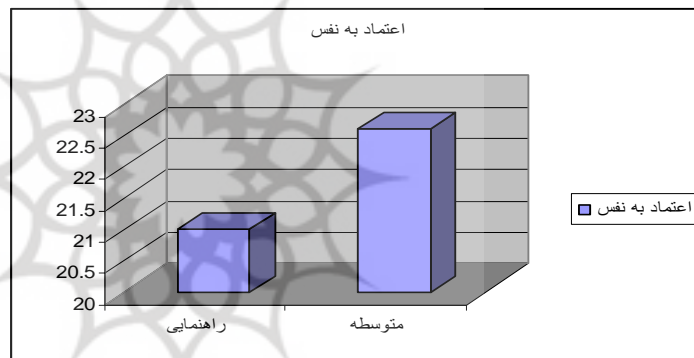
#### جدول ۷- مقایسه اعتماد به نفس دانش‌آموزان راهنمایی با متوسطه

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
راهنمایی	۴۴۱	۲۱/۰۶۱۲	۱۱/۰۸۲۷	۰/۵۲۷۷
متوسطه	۴۱۲	۲۲/۶۰۹۲	۱۱/۵۴۴۹	۰/۵۶۸۸

فاصله اطمینان ۰/۹۵		تفاوت	تفاوت میانگین‌ها	درجه آزادی	t	سطح معناداری	فراوانی	آزمون برابری واریانس‌ها	آزمون برابری میانگین‌ها
-۲/۷۲۰۹	-۳/۰۶۸۸	۰/۷۷۴۸	-۱/۵۴۸۰	۸۵۱	-۱/۹۹۸	۰/۷۳۳	۰/۱۱۶	با فرض برابری واریانس‌ها	
-۲/۵۰۶۸	-۳/۰۷۰۹	۰/۷۷۵۹	-۱/۵۴۸۰	۸۴۱/۰۳۱	-۱/۹۹۵	-	-	با فرض نابرابری واریانس‌ها	

۰/۰۴ = سطح معناداری

نمودار ۵- مقایسه اعتماد به نفس دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه



اطلاعات حاصل از آزمون t در جدول ۷ و نمودار ۵ نشان‌دهنده اعتماد به نفس بیشتر دانش‌آموزان متوسطه نسبت به دانش‌آموزان راهنمایی است.

### نتیجه گیری

یادگیری فعالیتی است که یادگیرنده انجام می دهد، بنابراین اگر یادگیرنده بخواهد از کمکها و امکاناتی که معلم برایش فراهم می کند استفاده کند و در جهت یادگرفتن فعالیت نماید در او یادگیری ایجاد خواهد شد، اما چنانچه یادگیرنده در جهت یادگرفتن فعالیت نکند یا نخواهد از کمکهای معلم استفاده نماید در او یادگیری به وجود نخواهد آمد (سیف، ۱۳۸۳).

یکی از مهمترین عناصر مؤثر بر یادگیری که منجر به تمایل یادگیرنده به یادگیری و فعالیت بهینه او می شود انگیزه پیشرفت است. میلبرن (۲۰۰۳) به نقش تفاوت های جنسیتی در انتخاب دروس دوره دبیرستان و پیشرفت و کارآمدی متفاوت در نتیجه دریافت پیامها و بازخوردهای متفاوت از محیط اطراف خود اشاره دارد و این امری است که جامعه امروز شاهد آن است.

در این پژوهش انگیزه پیشرفت به عنوان یکی از علل پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شده و با بررسی آن بین انگیزه پیشرفت تحصیلی دختران و پسران تفاوت مشاهده شد، به طوری که دختران نسبت به پسران از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردار هستند. برای تفاوت مشاهده شده در این مقایسه دلایل متعددی قابل ذکر است. هر چند هورنای، مورای و فروم هر یک به نوعی انگیزه پیشرفت را عامل شخصیت سالم ذکر کرده اند، ولی هر سه نفر معتقدند شیوه نمایش آن بستگی به شرایط و فرصتهایی دارد که فرهنگ و جامعه در اختیار افراد قرار می دهد و اگر چه نظریه پردازان و محققان از این لحاظ بین زنان و مردان تفاوت قایل نیستند، اما اظهار می کنند که نیاز به پیشرفت در میان زنان به میزان انگیزه پذیرش و تأیید اجتماعی آنها بستگی دارد. بر این اساس در رابطه با نتایج این پژوهش ذکر این نکته ضروری است که انگیزه پیشرفت متفاوت در میان دختران و پسران را می باید به عوامل محیطی و فرهنگی که زمینه ساز نحوه نمایش آن است برای پسران و انگیزه پذیرش و تأیید اجتماعی برای دختران نسبت داد. فضای فرهنگی جامعه امروز با توجه به مشکلات اشتغال و درآمدهای پایین برای مشاغل حاصل از تحصیل ضمن دور بودن چشم انداز دستیابی به شغلی مناسب از یک سو و این بینش که مردان مسئولیت تأمین زندگی را به عهده دارند از سوی دیگر می تواند عاملی برای تمایل کمتر پسران به تحصیل باشد. از

نظر اریکسون متغیرهای موقعیتی افراد را به سوی تکالیف می‌کشاند یا از آنها دور می‌کند (انتظار موفقیت و انتظار احساس غرور دو متغیر عمده در این رابطه هستند). وی در نظریه خود اظهار می‌کند افراد معمولاً جذب تکالیفی می‌شوند که احتمال موفقیت در آنها زیاد است، تفاوت‌های فردی از یک سو و عوامل اجتماعی از سوی دیگر بر نحوه عمل نشأت گرفته از انگیزه پیشرفت تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب انتخاب مسیر تحصیل و تلاش در این جهت از سوی پسران، به دلیل اینکه شانس موفقیت در آن کمتر است با مشکل روبه‌رو می‌شود. در حالیکه تحصیل برای دختران علاوه بر افزایش احتمال اشتغال، بیشتر منجر به کسب موقعیت اجتماعی و اعتبار می‌شود.

اشتیاق جوانان به ازدواج با دختران تحصیلکرده (شاهسونی، ۱۳۸۰)، امکانات و فرصت‌های تفریح و سرگرمی خارج از مدرسه و خانه برای پسران، مشکلات اقتصادی موجود و عدم امکان تأمین زندگی با اشتغال یک نفر در خانواده، ارتباط صمیمانه و نزدیکی معلم با دانش‌آموزان دختر و در نهایت تمایل دختران به حضور در اجتماع و مطرح کردن خود از دلایل مهم افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی در دختران است. این در حالی است که انتظار جامعه از پسران بیش از آنکه پیشرفت در علم و تحصیل و کسب مدرک باشد، توانایی اقتصادی، درآمد بالا و امکان بهتر اداره کردن زندگی است. عنصر دیگری که نقش سازنده‌ای در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد، نگرش به تحصیل است. آلپورت<sup>۱</sup> نگرش را یک حالت روانی - عصبی آمادگی می‌داند که از طریق تجربه سازمان‌یافته با تأثیری هدایتی و پویا بر پاسخ‌های فرد، در برابر کلیه پدیده‌ها و موقعیتها ظهور می‌کند (کریمی، ۱۳۷۹). یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار بین دختران و پسران در زمینه نگرش مثبت‌تر دختران است.

در جامعه امروز تجربه‌های غیرمستقیم نوجوانان و جوانان تا حدود زیادی سبب شده که آنها رابطه مستقیم بین تحصیل و اشتغال مناسب با درآمد کافی را کمتر مشاهده کنند. تذکرات مستقیم و غیرمستقیم و مشاهده تحصیلکرده‌های بی‌کار سبب شده نگرش پسران نسبت به تحصیل به عنوان وسیله‌ای برای اشتغال، کمتر مثبت باشد. در مقابل دختران انتظار دارند با تحصیل امتیازات متعددی از جمله موقعیت اجتماعی، اعتبار و اشتغال کسب کنند.

بنابر بررسی شیور (۱۹۷۵) افرادی که پیشرفت تحصیلی می‌کنند تصویر مثبت‌تری از خود دارند و نسبت به تحصیل نیز نگرش مثبت‌تری دارند. رزنتال و یاکوبسن (۱۹۶۸) نیز به تأثیر پیشگویی خود کامرواساز و نگرش‌های فرد در عملکرد و احساس ارزش و کفایت حاصل از آن و در نتیجه موفقیت بیشتر اشاره دارند.

اسپنس و دیگران (۱۹۸۳) نگرش نسبت به تحصیل را وسیله‌ای برای کسب موقعیت اجتماعی بهتر، اشتغال مناسب‌تر و درآمد بالاتر می‌دانند. کراندال (۱۹۶۹) برداشت دانش‌آموز از توانایی تحصیلی خود، تصویر خود و نگرش معلمان را نسبت به خود در نگرش نسبت به تحصیل و پیشرفت در آن مطرح ساخته است.

مؤمن‌زاده (۱۳۸۲) عوامل اجتماعی چون بیکاری تحصیلکرده‌ها یا اشتغال نامتناسب با رشته تحصیلی را عامل کاهش نگرش مثبت به تحصیل می‌داند و طبیعی است که این معضل اجتماعی در رابطه با پسران بیشتر مطرح است. در حالی که دختران بیش از آنکه به تحصیل به عنوان وسیله‌ای مستقیم برای اشتغال بنگرند، تحصیل را وسیله‌ای برای کسب موقعیت اجتماعی، احترام و منزلت و گسترش دید و افق فکری می‌دانند. بنابراین نگرش مثبت‌تر دختران به تحصیل و تلاش برای موفقیت در آنان امری طبیعی است.

یکی دیگر از عوامل تفاوت پیشرفت تحصیلی دختران و پسران اعتماد به نفس است. کوپر اسمیت (۱۹۶۹) نشان داد دانش‌آموزان با اعتماد به نفس بالا، بیشتر از سایر افراد احساس اطمینان، خلاق بودن و ابراز وجود می‌کنند و این صفات بیشتر در کسانی مشاهده می‌شود که انگیزه پیشرفت تحصیلی بالایی دارند، در حالی که بسیاری از پژوهش‌ها رابطه بین اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی را تأیید می‌کنند. رزنتال و جاکوبسن (۱۹۶۸) هم معتقدند دانش‌آموزان با اعتماد به نفس بالا و منبع کنترل درونی، چون خود را با ارزش‌تر و با کفایت‌تر ارزیابی می‌کنند از پیشرفت تحصیلی بیشتری برخوردارند.

چمبرز و آبرامی (۱۹۹۱)، مفتاح (۱۳۸۱) و مؤمن‌زاده (۱۳۸۲) و کراچی (۱۳۷۷) هر یک به نوعی متغیر اعتماد به نفس را به عنوان عامل مؤثر و مهم در پیشرفت تحصیلی ذکر کرده‌اند.

کوپر اسمیت منابع اعتماد به نفس را شامل احساس قدرت (تأثیرگذاری بر دیگران)، مهم بودن در زندگی، پایبندی به آداب و قوانین اجتماعی و اخلاقی و بالاخره موفقیت در زمینه‌ای می‌داند. از آنجا که اعتماد به نفس از هر یک از این ۴ منبع قابل

دستیابی است بدهی است این منابع به طور یکسان در همه دختران و پسران وجود ندارد. هر یک از این منابع نبود عامل دیگر را جبران می‌کند و این جبران منجر به وجود میزان نسبتاً مشابهی از اعتماد به نفس در هر دو جنس دختر و پسر می‌گردد، اگر چه منبع آن متفاوت است.

یافته‌ها همچنین وجود ضریب همبستگی قابل توجهی بین پیشرفت تحصیلی با انگیزه تحصیل، نگرش به تحصیل و اعتماد به نفس را نشان می‌دهد. همبستگی بین انگیزه تحصیلی و پیشرفت تحصیلی با پژوهشهای آگوروگلو و والبرگ ۱۹۷۹، باتلر ۱۹۹۹، پورطیبی و مشتاق، ۱۳۷۹ و شاهسونی، ۱۳۸۰ همخوان است. انگیزه علاوه بر اینکه میزان یادگیری دانش‌آموزان را به حداکثر می‌رساند، سبب همکاری دانش‌آموزان با معلم می‌گردد. دانش‌آموزانی که انگیزه تحصیل بالایی دارند با اشتیاق به درس معلم گوش داده، به مشارکت در تفکر دیگران اهمیت می‌دهند و احساس رضایت بیشتری از اعمال خود دارند. در مورد ارتباط بین انگیزه تحصیل با نگرش به تحصیل تحقیقات متعددی توسط محققان از جمله شیور (۱۹۷۵)، رزنتال و جاکوبسن (۱۹۶۸) و مؤمن‌زاده (۱۳۸۲) انجام شده که در جهت تأیید این رابطه‌اند. به ویژه یافته‌های حاصل از پژوهش مؤمن‌زاده نشان می‌دهد، عوامل اجتماعی نامطلوب از جمله میزان بالای بیکاری یا اشتغال نامتناسب با رشته تحصیلی و یا اشتغال با مزایا و موقعیت اجتماعی پایین افراد تحصیلکرده در مقابل موفقیت بیشتر نیروی انسانی بدون تحصیلات عالی، در سالهای اخیر نقش بارزی در نگرش به تحصیل داشته و در نتیجه انگیزه کاهش یافته و پیشرفت تحصیلی کندتر شده است.

زمانی که ارتباط چندانی بین تحصیل و اشتغال یافت نمی‌شود و نیز با وجود بیکاری فراوان قشر تحصیلکرده، طبیعی است نگرش به تحصیل مثبت نبوده و انگیزه برای پیگیری آن وجود نداشته باشد و بسیاری از دانش‌آموزان به جای حضور در کلاس درس و تحصیل، حضور در بازار کار و کسب درآمد را ترجیح دهند. این در حالی است که برخی از پژوهشگران (اسلامی‌نسب، ۱۳۷۳، ساعتچی، ۱۳۷۴ و مفتاح، ۱۳۸۱) رابطه اعتماد به نفس با یادگیری آموزگاری، دستاوردهای شخصی، انگیزه بالاتر برای یادگیری، نگرش مثبت‌تر به تحصیل و یادگیری و در نهایت پیشرفت تحصیلی را تأیید نموده‌اند. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش تفاوت میان انگیزه تحصیل دانش‌آموزان در دو مقطع راهنمایی و متوسطه است. به طوری که انگیزه تحصیل دانش‌آموزان مقطع

متوسطه بیشتر از دانش‌آموزان راهنمایی است. ارتباط نوجوانان دبیرستانی با اجتماع دانشجویی و آگاهی از منزلت اجتماعی آنان بیشتر است. علاوه بر این مسیر کوتاهتری تا رسیدن به جایگاه گفته شده برای آنان باقی‌مانده همچنین دریافت اطلاعات بیشتر دربارهٔ دانشگاه، رشته‌های دانشگاهی و محیط آن سبب می‌شود تا انگیزهٔ بیشتری نسبت به تحصیل و رسیدن به نقطهٔ هدف داشته باشند. از سوی دیگر دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی به دلیل حضور در آغاز دورهٔ بلوغ بیشتر درگیر مشکلات خاص این دوره می‌باشند. نوجوانان این دوره تحت تأثیر هورمون‌ها مرحلهٔ بلوغ جنسی را تجربه می‌کنند. تا جایی که طبق نظر روانکاوان تعادل داخلی خود را از دست می‌دهند و این دوره از زندگی برای آنان دورهٔ ویرانگری و تشکیل هویت است و به علت تغییرات سریع جسمانی، شناختی و اجتماعی علاقه‌مند به واریسی مجدد ارزش‌ها و همانندسازی کودکانهٔ خود می‌شوند، اما نوجوانان دبیرستانی این دورهٔ حساس را پشت سر گذاشته و آن را با تغییرات جسمی، احساسات جنسی، ارزیابی تواناییها و نقش‌های حال و آیندهٔ خود تلفیق می‌نمایند. بنابراین نوجوان دورهٔ راهنمایی درگیر دستیابی به هویت خود است در حالی که جوان دورهٔ متوسطه به راحتی مسیرهای دستیابی به هدف (تحصیل) را با احساسات و تفکرات خود دربارهٔ تواناییها و نقش‌های حال و آیندهٔ خود می‌زند (مارسیا<sup>۱</sup> ۱۹۹۱ به نقل از اکبرزاده، ۱۳۷۶).

نگرش مثبت‌تر دانش‌آموزان دبیرستانی نسبت به دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی یافتهٔ دیگر این پژوهش بود. با افزایش سن و حضور دانش‌آموزان در پایه‌های بالاتر (مقطع متوسطه)، نگرش آنان به تحصیل مثبت‌تر می‌شود. فاصلهٔ کوتاه دستیابی به اهداف (پذیرش در دانشگاه و اشتغال)، که خود را توانا، قادر و آسیب‌ناپذیر دانسته و از سوی دیگر نیاز به استقلال را حس کنند از عواملی هستند که بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به تحصیل به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف تأثیر می‌گذارند. کسب موفقیت تحصیلی و به‌دست آوردن شغل و حرفهٔ مناسب از مهمترین آرزوهای هدف‌دار نوجوانان دورهٔ دبیرستان است (اکبرزاده، ۱۳۷۶).

یافتهٔ دیگر این پژوهش (وجود اعتماد به‌نفس بیشتر در دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه نسبت به دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی) نشان‌دهندهٔ مهارت‌های شناختی، عملکرد موفقیت‌آمیز،

رفتار جامعه‌پسند و ارتباطات اجتماعی است که به‌طور متقابل بر یکدیگر اثر می‌گذارند. پژوهش‌های بولوگینی، بلانچرل، بتسکات و هالفون، (۱۹۹۶) نشان داد با افزایش سن اعتماد به‌نفس نیز افزایش می‌یابد، زیرا نوجوانان در سالهای آخر دوره متوسطه بیشتر از دوره راهنمای خود را برای دیگران مؤثر و در زندگی آنان مهم می‌داند. آنان در انجام فعالیتها موفق‌تر هستند و از آداب و قوانین آگاهی بیشتری دارند و در نتیجه به آنها بیشتر پایبند می‌باشند بنابراین منابع بیشتری برای اعتماد به‌نفس در اختیار خواهند داشت.

با در نظر گرفتن پیشرفتهای مشهود دختران در زمینه علم، تخصص و مسائل اجتماعی، توجه به موضوع جنسیت و نیاز به تغییرات اساسی در شرایط تحصیلی و شغلی زنان و دختران اجتناب‌ناپذیر است. از آنجا که این پژوهش همسو با سایر پژوهش‌ها، پیشرفت تحصیلی دختران و انگیزه بیشتر و نگرش مثبت‌تر آنان در رابطه با یادگیری و تحصیل را تأیید می‌کند، باید دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت با دقت در نتایج پژوهش‌های صورت گرفته ضمن تلاش برای احیای توانمندی‌ها و قابلیت‌های دانش‌آموزان و گشایش افق‌های جدید در عرصه‌های گوناگون برای آنها، در مجموع نسبت به برنامه‌ریزی مناسب برای دو جنس با توجه به نیازهای آنان، جامعه و بازار کار، ارائه و کاربست شیوه‌هایی برای ایجاد انگیزه و پیشرفت تحصیلی برتر برای کلیه دانش‌آموزان اعم از دختر و پسر اقدام نمایند.

#### منابع

- احمدی، جمشید. (۱۳۷۸)، «بررسی و مقایسه پیشرفت علمی و وضعیت تحصیلی دانشجویان زن و مرد»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دانشکده پزشکی شیراز، دوره پانزدهم.
- استپیک، دیوراچی. *انگیزش برای یادگیری (از نظریه تا عمل)*، ترجمه حسن‌زاده و عمویی، (۱۳۸۵)، چاپ سوم، انتشارات دنیای پژوهش.
- اسلامی‌نسب، علی. (۱۳۷۳)، *روانشناسی اعتماد به‌نفس*، انتشارات مهرداد.
- اکبرزاده، نسرين. (۱۳۷۶)، *گذر از نوجوانی به پیری (روانشناسی رشد و تحول)*، انتشارات دانشگاه الزهراء.
- بلوم، بنجامین، اس. *ویژگیهای آدمی و یادگیری آموزشگاهی*، ترجمه علی‌اکبر سیف، (۱۳۶۳)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.



بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۲). *روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان*، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

پورطیپی، علی و محمد مشتاق. (۱۳۷۹)، «بررسی رابطه انگیزه تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دختران پیش دانشگاهی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.  
دلاور، علی. (۱۳۷۴)، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، چاپ دوم، انتشارات رشد.

رضوی، امیرحسین. (۱۳۷۸)، «بررسی اعتبار، روایی و هنجاریابی پرسشنامه اعتماد به نفس کوپراسمیت در بین دانش آموزان استان تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

ژاله رضایی، علی. (۱۳۷۲)، *بررسی شیوه های مختلف تعامل بین دانش آموزان و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی، طرح پژوهشی*، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی.

ساعتچی، محمود. (۱۳۷۴)، *مشاوره و روان درمانی (نظریه ها و راهبردها)*، نشر ویرایش، تهران.  
سلمانی مقدم، زهرا. (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه وضعیت خود درگیر و کار درگیر با انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم متوسطه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

سیف، علی اکبر. (۱۳۸۳)، *روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)*، ویراست نو، چاپ آگاه.

شاهسونی، سودابه. (۱۳۸۰)، *بررسی رابطه بین انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه شهر اصفهان با - ویژگیهای اجتماعی و آموزشی آنان*، طرح پژوهشی، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.

شولتز، دوان پی و سیدنی آلن شولتز. *نظریه های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، (۱۳۷۸)، نشر ارسباران، چاپ دوم.

غلامی، یونس و دیگران. (۱۳۸۵)، «رابطه انگیزش پیشرفت و خودپنداشت با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه هشتم در درس علوم براساس تحلیل نتایج تیمز- آر»، *فصلنامه علمی - پژوهشی روان شناسان ایرانی*، سال دوم، شماره ۷، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

کارور، چارلز.اس و مایکل.اف.شی.یر. (۱۳۷۶). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، (۱۳۷۵)، انتشارات آستان قدس رضوی.

کافی، طاهره. (۱۳۸۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دختر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان.

کراچی، سعید. (۱۳۷۷)، «بررسی رابطه پیشرفت تحصیلی با انگیزش پیشرفت و منبع کنترل در دختران و پسران سال اول دبیرستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

کریمی، یوسف. (۱۳۷۹)، *نگرش و تغییر آن*، نشر ویرایش، چاپ اول.

مختاری، احمد. (۱۳۸۱)، «بررسی رابطه بین انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با ویژگی‌های اجتماعی و آموزشی آن‌ان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان.

مرادی‌مقدم، محمود. (۱۳۸۳)، «نگاهی به آمار نتایج امتحانات سال تحصیلی ۸۲-۸۱»، *پژوهش‌نامه آموزشی پژوهشکده تعلیم و تربیت*، شماره ۷۲ و ۷۳.

مسدد، علی‌اکبر. (۱۳۷۳)، *انگیزش در آموزش و پرورش*، انتشارات دانشگاه شیراز.

مفتاح، سیمین. (۱۳۸۱)، «رابطه کمرویی و اعتماد به‌نفس با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، شهر تهران.

مؤمن‌زاده، امین. (۱۳۸۲)، «بررسی مقایسه‌ای پیشرفت تحصیلی و عزت‌نفس دانش‌آموزان دبیرستانهای شبانه‌روزی و روزانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۷۳)، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، چاپ اول، نشر پارسا.

Atkinson, J.W. (1978). Motivational effects in scaled test of ability and educational achievement. In I.J. Fyans, Jr (Ed). *Achievement motivation* New York: plenum press.

Bagley, C. (1992). Development of adolescent stress scale for use of school counselors: *Journal of school psychological*, No 13.

Bolognini, M., Plancherel, B., Bettchart, W and Halfon, O. (1996). Self-esteem and mental health in early adolescence: Development and gender differences. *Journal of Adolescence*, N: 19

- Brennan, ph. (2002). Girls do better in single sex schools. Newsmax. Com, Friday, May, 3, 2002 .  
<http://www.Newsmax.com/arshives/articles/2002/5/2/155112.shtml>.
- Butler, R. (1999). Information seeking and achievement motivation in middle childhood and adolescence: The role ability developmental psychology 35, No 1.
- Chambers, B and Abrami, ph.C. (1991). The Relation ship attributions and affect. Journal educational Psychology.N 83
- Chiu, H. (1997). Development and validation of the school achievement motivation rating scale. Journal of Education and psychological and psycholigy measurement No 57
- Cooper Smith, S. (1969). A method for determining Type of self-esteem. Journal of abnormal and social psychology. Vol 59 .
- Crandall, V.J. (1963). The self-worth theory of achievement motivation: Findings and implication. The Elementary school Journal.
- Crandall, V.C. (1969). Sex differences in expectancy of intellectual and academic reinforcement. In c.p.Smith (Ed). Achievement related motives in children. New York: Russellsage.
- Frances, M., Martin, G., Dray, D. (2001). An evaluation of factors influencing the academic self-concept, self-esteem and academic stress for direct and re-entry student in higher education. Journal of Educational psychology.No 21 .
- French, E.G. (1987). Motivation as a variable in work partner selection. Journal of abnormal and social psychology.
- Gardner, H. (1993). Multiple intelligences: The Theory in practice. New York: Basic Books.
- Hall. C and Goles, M. (1997). Gendered readings: helping boys develop as critical readers. Gender and Education, vol 8, No 3-

- Henry, T. (1997). Gender gap in math skills grows in U.S.A Today, p.D1.
- Holden, C. (2002). Contributing to the debate: The perspective of children on gender, achievement and literacy. *Journal of Educational Enquiry*, Vol 3, No 1.
- Johnson, S. (1996). The contribution of large scale assessment programs to research on gender differences. *Educational Research and Evaluation*, Vol 2. No 1.
- Kimball, M. (1989). A new perspective on woman's math achievement. *Psychological Bulletin*. N 23.
- Lloyd, T. (1999). *Reding for the future*. London: Save the children.
- Midgley, C., Kaplan, A., Anderman, E. (1998). The development and validation of scales assessing student's achievement goal orientation. *Contemporary Educational psychology*, N 23.
- Milbourne, L.A. (2003). Encoraging woman in science: shoreline community college last modified: April, 01, 2003.
- Purkey, W.W. (1970). *Self-connect and achivement*. Prentice-Hall.
- Remanin, G. (1968). social approval and achievement striving in the kindergarten *Journal of Research and development memorandum* No 35.
- Rosenthal, R. and Jacobson, L. (1968). *Pygmalion in the Classroom*. New York: Holt, Rinehart and winston.
- Santrock, J.W. (2001). *Educational psychology*. University of Texas at Dallas. Mc Grow Hill, 1<sup>st</sup> ed.
- Shaver, K.G. (1975). *An introduction to attribution process*. Englewood cliffs, N.J: Prentice-Hall.
- Slavin, R.E. (1991). *Educational psychology: theory into practice*. NewYork: John Hopckins University press.

- Spence, J.T and others. (1983). Masculinity and femininity. The psychology dimensions correlates and antecedent. Austin, Texas: University of Texas Press.
- Stein, A.H. (1969). The influence of social reinforcement on the achievement of forth grade boys and girls. Journal of child development. Vol 38.
- Thompson,T and Ungerleider, Ch. (2004). Students achieve better in single sex schools. Researchers for the Canadian center for knowledge, "Single sex schooling-final report" November.
- [http://www.cmec.ca/stats/single\\_gender.en.pdf](http://www.cmec.ca/stats/single_gender.en.pdf)
- Uguoglu, M. and Walberg, H.J. (1979). Motivation and achievement: A quantitative synthesis. American Educational Research Journal. No16.
- Vilder, B. (1989). Implication of the current theory of achievement motivation. Psychology in school. No 18.
- Warren, S. (2000). Lets do it Properly: Inviting children to be researchers. In A Lewis and Lindsay (eds) Researching Childrens Perspectives. Buckingham: Open University Press.
- Younger, M and Warrington, Metal (2004). Faculty of Education, 184 Hills Road, Cambridge, CB 22 PQ.

تاریخ وصول: ۸۵/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۸۷/۷/۲۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی